

فرم‌شناسی کویر دکتر علی شریعتی در بستر کتاب درسی فارسی ۳

متوسطه دوم نظری

فضل‌الله رضایی ارادانی^۱، غلامرضا هاتفی اردکانی^۲

چکیده

«کویر» یکی از آثار «ادبی - غنایی» و درون‌گرای شریعتی به شمار می‌آید. او در نگارش «کویر» بر اساس جریان سیال ذهن، کوشیده‌است تا متنی ادبی، جلوه دهد. توصیف، احساس‌گرایی، کاربرد صناعات ادبی، از جمله تشبیه، استعاره و تضمین، از ویژگی‌های غالب متن «کویر» است. او با اشراف به علم بیان و بدیع، از صناعات ادبی به شکل تصنعی استفاده نکرده‌است. این جستار ادبی، با هدف دانش‌افزایی مدرّسان و دبیران، متن درس نهم کتاب فارسی ۳، پایه دوازدهم متوسطه دوم نظری، با عنوان کویر، محور پژوهش قرار گرفته‌است و آن درس را در سه حوزه بااهمیت «زبانی، ادبی و فکری» بررسی کرده‌اند. شیوه پژوهش در این مقاله، توصیفی همراه با تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش، است. علاوه بر آن، به بررسی هنر‌سازیه‌های زبانی و ادبی و آرایش و چیدمان منظم آنها، در حوزه‌های متعددی، از قبیل تاریخ‌نگاری، تلمیح‌گویی، فرامکانی و فرازمانی، عامیانه‌نویسی، واژه و عبارت‌پردازی و تصویرپردازی در ابعاد گوناگون، پرداخته شده‌است.

کلیدواژه‌ها: شریعتی، کویر، نقد، فرم‌شناسی، صورت‌نگاری.

مقدمه

علی شریعتی، به سال ۱۳۱۲ در مَزینان از توابع سبزوار، در خانواده‌ای مذهبی، چشم به جهان گشود و در ۲۹ خرداد ماه ۱۳۵۶ به سوی آرامشی ابدی عروج کرد. وی برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت تا تحصیلات عالی خود را در مقطع دکتری، در دانشگاه سوربن فرانسه، ادامه دهد. کتاب «کویر» یکی از آثار «ادبی غنایی» و درون‌گرای این نویسنده مشهور، به شمار می‌آید. جایگاه ادبی کویریات، بهتر و بیش از آثار دیگرش، نمایان می‌شود. درون‌مایه این اثر ادبی همانند «بَتَّ الشَّكْوَى و نامه‌هایی» است که به «هیچ‌کس» نوشته شده است و از قید عنوان و مخاطب، آزاد است. (شریعتی، بی تا: ۲۶) این نوشتار شعرگونه، بهانه‌ای برای رهایی از دغدغه‌های درونی و فراموش کردن آنهاست. او این نوشتار را، با بیش از سیصد صفحه، «پاره‌ای از بودن خود می‌داند.» (همان: ۹)

این اثر، ریشه در جریان سیال ذهن این نویسنده معاصر، دارد. توصیف، احساس‌گرایی، کاربرد صناعات ادبی از جمله تشبیه، استعاره و تضمین، از ویژگی‌های غالب متن «کویر» است. (parsidust.blogfa، ۱۶۰۰) کویر اینگونه آغاز می‌شود که: «بر کرانه کویر، به تعبیر حدودالعالم، (شهرکی) است که شاید با همه روستاهای ایران فرق دارد...» (شریعتی، ۵:۳۸۹)

اصلی‌ترین سؤال این پژوهش آن است که: «آیا متن کویر، از فرم ادبی منسجم برخوردار است؟»

فرضیات تحقیق

- الف- کویر در سه قلمرو زبانی، ادبی و فکری، فرم منسجم دارد.
- ب- در کویر از عوامل ایجاد «آشنایی‌زدایی» از قبیل (تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز) و دیگر صناعات ادبی استفاده شده است.
- ج- تصاویر شعری خلّاقانه در نثر کویر دیده می‌شوند.
- د- کویر، دارای مضامین عرفانی، فلسفی و باورهای عقیدتی نویسنده آن است.

اهداف تحقیق

دامنه وسعت جهان‌بینی ادبی شریعتی در مطالعه عناصر سبک‌ساز، چنان ارزش دارد که می‌تواند بسیاری از نکات پنهان شخصیت علمی- ادبی او را آشکار سازد. با این پژوهش، ضرورت داشت تا نگارندگان، فرم و ساختار منظم مؤلفه‌های سبکی «کویر» را با رویکرد درس نهم کتاب فارسی ۳ پایه دوازدهم متوسطه نظری، تحلیل نمایند. هدف این مقاله، دانش‌افزایی مدرّسان و دبیران،

بررسی مهم‌ترین ویژگی‌های سبکی، همراه با واکاوی جلوه‌های ادبی آن است. بازشناسی ادبی «کویر» و شناساندن آن، از اهداف دیگر نویسندگان است.

پیشینه

در حوزه بررسی ویژگی‌های سبکی نثر کویر تا به حال، در قالب مقاله و کتاب و... پژوهش‌هایی انجام شده است که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود.

محمدرضا رهبریان، در مقاله‌ای با عنوان «جلوه‌های ادبی و هنری شریعتی»، چاپ شده در فصل‌نامه رشد آموزش زبان و ادبی فارسی، دوره نوزدهم، شماره ۳ بهار ۱۳۸۵، به بررسی محتوای کویر پرداخته‌اند.

فرهاد ساسانی، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی ویژگی‌های سبکی کویر شریعتی»، چاپ شده در پژوهشنامه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۴، شماره ۴۵ و ۴۶ به بررسی متن کویر، بر اساس محور جانمایی و همنشینی و نیز عناصر پیرامونی دیگری، پرداخته‌اند.

خانم مهین عبدالحی، با نوشتن مقاله‌ای به نام «بررسی فرم در کویر دکتر شریعتی با تکیه بر برجسته‌سازی»، در اولین کنگره علمی بین‌المللی فرهنگ، زبان و ادبیات، واژه‌ها و ترکیبات در کویر، از نظر غیر متعارف بودن، بررسی کرده‌اند.

فرید علوی و فاطمه غلامی، با چاپ مقاله‌ای در نشریه قلم، پاییز و زمستان، ۱۳۸۴، دوره ۱، شماره ۲، از صفحه ۲۶ تا ۴۳ با عنوان «خیال در کویر دکتر شریعتی» کوشیده‌اند که عنصر خیال را در کویر شریعتی، بازیابی کنند.

همچنین در کتاب «راهنمای معلم فارسی ۳» چاپ ۱۳۹۷ در بخش درنگی کوتاه در محتوای درس، صفحه ۱۴۸ و ۱۴۹ در قالب جمله‌های کوتاه، موضوع متن درس کویر را برای مخاطبان، مختصراً تبیین شده است.

کتاب «تنهایی کویر» از هاشم گودرزی با ۱۲۰ صفحه، از انتشارات همراز قلم، سال چاپ ۱۳۹۷ نویسنده به نقد درون‌مایه‌های آثار ادبی دکتر علی شریعتی پرداخته است.

در فضای مجازی نیز عده‌ای از دوست‌داران «کویر» به شکلی مختصر، به بیان ویژگی‌های سبک متن کویر، پرداخته‌اند.

روش تحقیق

شیوه پژوهش در این مقاله، توصیفی همراه با تحلیل یافته‌های پژوهش، است. علاوه بر آن، به بررسی هنر‌سازهای زبانی و ادبی و آرایش و چیدمان منظم آنها، در حوزه‌های متعددی،

از قبیل تاریخ‌نگاری، تلمیح‌گویی، فرامکانی و فرازمانی، عامیانه‌نویسی، واژه، عبارت‌پردازی و انواع ترکیبات و تصویرپردازی، پرداخته شده‌است.

الف) بحث و بررسی

الف. ۱) جریان سیال ذهن

جریان سیال ذهن با جنبش مدرنیته اوایل قرن بیستم همراه است و به مخاطبان، اجازه می‌دهد تا به افکار یک شخصیت یا نویسنده، گوش فرادهند. جریان سیال ذهن، استفاده از زبان برای شبیه‌سازی کردن ماهیت «جریان و سیالیت» افکار «ذهن» نویسنده است و معمولاً از قوانین عادی دستور زبان و جمله‌بندی پیروی نمی‌کند زیرا افکار به طور کامل شکل نمی‌گیرند، یا در میانه، تغییر مسیر می‌دهند، یا از سوی فکر دیگری، قطع می‌شوند. در جریان سیال ذهن، نویسندگان با استفاده از پیوندهای ضعیفی از یک موضوع، به موضوع دیگر، حرکت می‌کنند و هدف این است که نویسندگان بتوانند تجربه تفکر بشری را، با صحت بیشتری انتقال دهند و موضوعات، به صورت واضح و منطقی، به هم پیوند بخورند. کلمات و عبارات تکراری می‌توانند به عنوان یک «نشانه» عمل کنند و خوانندگان را به سمت درون‌مایه‌های مهم و برجسته مورد نظر خود، بکشانند. اصطلاح «جریان سیال ذهن» در قرن نوزدهم شکل گرفت و روان‌شناسان این اصطلاح را برای توصیف جریان مداوم افکار، احساسات، خاطرات و مشاهدات به کار بردند. جریان سیال ذهن در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ به عنوان بخشی از ادبیات مدرن بوجود آمد. (fasleyek.com/blog، ۱۴۰۰)

الف ۲) ویژگی‌های سبکی کوبر

شریعی از مفاخر ادبی معاصر، است. وی در نگارش ادبی، قلم توانا و مؤثر داشت و از ابزارهای ادبی به فراخور موضوع، گاه تند و انتقادی و گاه لطیف و شاعرانه، استفاده می‌نمود. می‌توان او را در زمان معاصر، خالق سبک جدیدی با تلفیقی از نگارش «ادبی، مذهبی و انتقادی» دانست. وی به علم بیان و بدیع در ادبیات اشراف کافی داشت و هیچگاه از صناعات ادبی به شکل تصنعی استفاده نمی‌کرد. او از زیور ادبی «تکرار» در آثار ادبی خود به عنوان یک قاعده سبکی استفاده می‌کرد این کار باعث می‌شد تا کلامش آهنگین شود و به ساختار نثرش، انسجام بخشیده شود. شریعی به خوبی به موسیقی درونی یا صناعات بدیع لفظی اشراف داشته و آن را در کلام خویش برجسته ساخته‌است، به نظر می‌رسد که شیوه نثر شریعی، «تغزلی، خطابی و تعلیمی» از نوع نثر خواجه عبدالله و عین القضاة همدانی باشد. (imna.ir، ۱۴۰۰) همانگونه که او در مقدمه کوبر ۳۵۲ صفحه ای می‌گوید: «از هراس تهایی در حال، برادرم عین القضاة را یافتم که در آغاز شکفتن به جرم آگاهی و احساس و گستاخی اندیشه، در سی و سه سالگی، شمع آجینش کردند.» (شریعی، بی تا: ۷)

امروزه، در پژوهش‌های ادبی، یکی از چهار رکن «متن، مؤلف، خواننده و بافت» پایه بررسی قرار می‌گیرد و جستارهای ادبی در چهار دسته «متن محور، مؤلف محور، خواننده محور و بافت محور» تقسیم بندی می‌شود.

ریشه‌شناسی، بررسی‌های بلاغی، صورت‌گرایی و ساختارگرایی، نقد و نشانه‌شناسی، رویکردی متن محور دارند. در این جستار ادبی، متن اثر، با نگاهی صورت‌گرایانه، محور اساسی پژوهش قرار گرفته است.

الف ۳. تاریخ‌نگاری

شریعتی در گستره «کویر» به وضوح لحن «تاریخ‌گرایانه» او مشاهده می‌شود. این تاریخ‌گرایی بیشتر با به کارگیری «واژه‌ها و عبارات» کاربردی در حوزه تاریخ، متجلی می‌شود. مصادیق زیر از این گونه‌اند:

- ارگ مزینان:

مزینان شهرکی است خُرد از خراسان بر راه ری و اندر وی کشت و زرع بسیار است. نام یکی از دوازده ربع بیهق که شامل مایان، کموزد، داورزن، سد خرو، طزر، بهمن آباد، مهر و ماشدان و سوزان. مزینان از دیرباز دارالحُکم یا دادگاهی محلی داشته و بزرگان آنجا مورد اطمینان منطقه بوده، برای حل و فصل دعوی خود به آن مراجعه می‌نموده‌اند. (محمّدی، ۱۳۹۳: ۱۶۷) در گذشته ارگ و قلعه مزینان مشهور بوده است.

- عشق‌آباد:

این شهر در نزدیکی پایتخت باستانی اشکانیان (شهر نسا) قرار دارد. نام عشق‌آباد در قدیم «آشک‌آباد» بوده است و آن را برگرفته از نام ایرانی آشک یکم، سردودمان سلسله اشکانیان، دانسته‌اند. عشق‌آباد در سال ۱۸۱۸ تنها روستایی کوچک جهت استراحت کاروانیان جاده ابریشم بوده که در نزدیکی شهر باستانی نسا قرار داشته است. در سال ۱۹۲۴ عشق‌آباد رسماً پایتخت ترکمنستان شوروی شد.

- تاریخ بیهق:

ظهیرالدین ابوالحسن علی بن ابی‌القاسم زید بیهقی مشهور به ابن فُنْدُق، مورّخ و ادیب قرن پنجم هجری قمری است. اثر مهم او تاریخ بیهق، حاوی اطلاعات ارزشمندی در مورد خراسان در عهد غزنویان و سلجوقیان است.

- ملاهادی اسرار:

هادی سبزواری (۱۲۱۲-۱۲۸۹ هجری قمری) دانشمند علوم اسلامی، فیلسوف، عارف، شاعر و فقیه ایرانی است. او غزل‌های حکمی و عرفانی زیادی را سروده‌است و در شعر «اسرار» تخلص می‌کرد. مجموعه‌ای از منطق، الهیات و طبیعیات، علم النفس و فقه را به صورت منظوم فراهم آورده و آن را شرح کرده‌است. این کتاب «شرح المنظومه» نام گرفته‌است.

- ادیب بزرگ:

ادیب نیشابوری، شاعر، محقق و عالم ادب عربی و فارسی که دارای مشرب‌ی عرفانی نیز بوده‌است؛ اما با همه این فضایل، مهم‌ترین بخش کارنامه علمی و عملی ادیب، به معلم بودن و مدرس بودن او بازمی‌گردد. ملک الشعرا بهار، بدیع‌الزمان فروزانفر، محمدتقی ادیب نیشابوری (ادیب ثانی)، محمد پروین گنابادی، ادیب بجنوردی، محمدتقی مدرس رضوی، محمود فرخ، محمدامین ادیب طوسی، مجدالعلی بوستان و سیدجلال‌الدین تهرانی از جمله شاگردان نام‌دار ادیب نیشابوری هستند.

در تاریخ معاصر، از دو اندیشمند با عنوان «ادیب نیشابوری» یاد شده‌است؛ یکی مرحوم استاد میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری، معروف به «ادیب اول» (متوفی ۱۳۰۵ خورشیدی) و دیگری مرحوم استاد شیخ محمدتقی ادیب نیشابوری، مشهور به «ادیب ثانی» (متوفی ۱۳۵۵ خورشیدی) هر دو این بزرگان جزو چهره‌های درخشان فرهنگ و ادب ایران زمین، به ویژه خراسان بزرگ به شمار می‌روند. هر دو ادیب، هم شاعر بوده‌اند و هم مدرس و هم محقق و در ادب فارسی و عربی جزو سرآمدان روزگار خویش به شمار می‌آمده‌اند. ادیب نیشابوری ثانی، از شاگردان برجسته ادیب نیشابوری اول بوده‌است.

- نویسنده اهل رومانی:

کنستانتین ویرژیل گورگیو، (*Constantin Virgil Gheorghiu*) رمان‌نویس و نویسنده معروف رومانیایی است. او در ۱۵ سپتامبر ۱۹۱۶ میلادی در روسبانی واقع در شهرستان نامس کشور رومانی به دنیا آمد. «محمد پیغمبری که از نو باید شناخت» به فرانسوی، کتابی است درباره محمد (ص) نوشته نویسنده رومانیایی، کنستانتین ویرژیل گورگیو با ترجمه ذبیح‌الله منصوری.

- محمد (ص):

آخرین پیامبر در سلسله پیامبران الهی و معجزه او قرآن و تجدیدکننده آیین یکتاپرستی «دین حنیف» است. در بین مسلمانان ملقب به رسول‌الله است.

- صحرای عربستان:

صحرای عربستان در غرب آسیا واقع شده‌است. این صحرا از یمن تا خلیج فارس و عمان تا اردن و عراق امتداد دارد و بیشتر شبه جزیره عربستان را پوشش داده‌است و مساحت آن ۲۳۳۰۰۰۰ کیلومتر مربع است که در مرکز آن ربع‌الخالی واقع شده و یکی از بزرگترین سرزمین‌های ماسه‌ای دنیاست.

- ناله‌های گریه‌آلود آن امام راستین:

به درد دل کردن علی^(ع) با چاه، اشاره دارد که نویسنده، آن را اینگونه به تصویر، درآورده است. «نال‌های گریه‌آلود آن امام راستین و بزرگم را که همچون این شیعه گمنام و غریبش، در کنار آن مدینه پلید و در قلب آن کویر بی فریاد، سر در حلقوم چاه می‌برد و می‌گریست.» (محمدیان و دیگران، ۱۳۹۸: ۷۳)

علی^(ع):

عَلِيّ ابْنِ أَبِيطَالِبٍ^(ع)، ۱۳ رجب ۳۰ عام الفیل برابر با ۲۳ پیش از هجرت به دنیا آمد و ۲۱ رمضان ۴۰ هجری قمری به شهادت نائل شدند. پسر عمو و داماد محمد^(ص) است. او فرزند ابوطالب و فاطمه بنت اسد، همسر فاطمه زهرا^(س) و پدر حسن^(ع)، حسین^(ع) و زینب^(س) است. - صفای اهورایی:

اهورا، در اوستایی به معنی وجود مطلق و هستی‌بخش، بی‌همتا، در اوستا وجود مطلق و هستی‌بخش. اهورا مزدا، هستی‌بخش بی‌همتا و خالق عالم را گویند. نام آفریدگارِ نکویی‌ها و دادار و پروردگارِ همه هستی در مَزَدَیَسْنَا است. او الوهیت و الهه آفرینش در اندیشه‌های زرتشت است. ریشه این واژه به زبان اوستایی کهن، در گاتاها بازمی‌گردد. (حسن‌دوست، ۱۳۹۵: ۲۶۰۸)

اساس ساختار بیشتر جمله‌های متن کویر، به نثر سده‌های چهارم تا ششم هجری و به ویژه، نثر حدود العالم (سده ۴ ه.ق) و تاریخ بیهقی (سده ۶ ه.ق) و نثر خواجه عبدالله انصاری و عین‌القضات همدانی، نزدیک می‌شود. در عین حال، نثر شریعتی بسیار، شیوا و روان است.

الف ۴). تلمیح‌گویی

تلمیح یکی از راه‌های تناسب‌سازی در هنر نثر و شعرگویی، است. تلمیحات در ادب فارسی، جنبه تداعی معانی دارد. تلمیح در علم بدیع به آرایه‌ای گفته می‌شود که گوینده در ضمن کلام، به داستان یا رویدادی یا آیه‌ای از قرآن کریم یا حدیثی اشاره کند. (صادقیان، ۱۳۸۷: ۱۵۴) لازمه دریافت معنی و زیبایی تلمیح، آشنایی قبلی با آن داستان یا مثل یا آیه یا شعر است. (وحیدیان کامیار، ۱۳۹۳: ۶۶) معمولاً از تلمیح به عنوان تشبیه یا استشهاد بهره گرفته می‌شود. اشاره‌های بینامتنی شریعتی در کویر، متضمن برداشت‌های تاریخی، ادبی و ذهنی نویسنده است. او با این ویژگی برجسته، برای تطبیق و تداعی مخاطب، حوادث تاریخی را، تصریح می‌نماید. به طوریکه نویسنده تلاش دارد تا با آوردن واژه‌های فرعی تلمیح، به صورت تناسب، آن را در ذهن مخاطب، تجسم کند. از جمله:

- درست‌گویی عشق آباد کوچکی است و چنان که می‌گویند، هم بر انگاره عشق آبادش ساخته‌اند. مزینان از هزار و صد سال پیش هنوز بر همان مهر و نشان است که بود. جمله آخر تلمیح ادبی است که اشاره به این بیت از حافظ دارد که:

گوهر مخزن الاسرار همان است که بود / حَقُّهُ مهر بدان مهر و نشان است که بود

(حافظ، ۲۸۹:۱۳۶۹)

- ناله‌های گریه آلود آن روح دردمند و تنها را می‌شنوم. ناله‌های گریه آلود آن امام راستین و بزرگم را که ... سر در حلقوم چاه می‌برد و می‌گریست. (محمدیان و دیگران، ۱۳۹۸: ۷۳)

- آن شب نیز من، خود را بر روی بام خانه گذاشته بودم و به نظاره آسمان رفته بودم؛ گرم تماشا و غرق در این دریای سبز معلقی که بر آن مرغان الماس پر، ستارگان زیبا و خاموش، تک تک از غیب سر می‌زنند. (همان: ۷۳) گوینده در بخش «غرق در این دریای سبز معلقی» تلمیح ادبی به کار برده است به طوریکه بخش مورد نظر اشاره به بیتی از حافظ شیرازی است که: آسمان کشتی ارباب هنر می‌شکند / تکیه آن به که بر این بحر معلق نکنیم (حافظ، ۱۳۶۹: ۵۱۵)

- آن عالم پُرشگفتی و راز، سرایی سرد و بی‌روح شد، ساخته چند عنصر! و آن باغ پر از گل‌های رنگین و معطر شعر و خیال و الهام و احساس در سموم سرد این عقل بی‌درد و بی‌دل پژمرد و صفای اهورایی آن همه زیبایی‌ها ... (محمدیان و دیگران، ۱۳۹۸: ۷۳) شاعر به چهار اصلی «آب، باد، خاک و آتش» اشاره کرده است. علاوه بر این، نویسنده به «اهورا» نام آفریدگارِ نکویی‌ها و دادار و پروردگارِ همه هستی در مزدیسنا از اوستا، توجه کرده است.

- حتی درختش، غارش، کوهش، هر صخره سنگش و سنگریزه اش آیات وحی را بر لب دارد و زبان گویای خدا می‌شود. (همان: ۷۳) عبارت فوق به آیه اول سوره جمعه «يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ» «هر چه در آسمان‌ها و زمین است همه به تسبیح و ستایش خدا که پادشاهی منزّه و پاک و مقتدر و حکیم است مشغولند.» اشاره دارد.

- من آن شب، پس از گشت و گذار در گردشگاه آسمان، تماشاخانه زیبا و شگفت مردم کویر، فرود آمدم و بر روی بام خانه، خسته از نشئه خوب و پاک آن «اسرا» در بستر خویش به خواب رفتم. (همان: ۷۳) «اسرا» در لغت به معنی در شب سیر کردن، معراج پیامبر اسلام^(ص)، همچنین نام هفدهمین سوره قرآن مجید است که در آن به معراج پیامبر^(ص) اشاره شده است.

الف ۵. فرامکانی و فرازمانی

مکان اصلی در کویر، روستای مزینان، است، ولی نویسنده، مزینان را به لامکان تعبیر می‌کند و فرهنگ ایران و شرق را برای مخاطب، تداعی می‌کند، او با همنشینی واژه‌هایی از قبیل «کویر، مدینه، نویسنده اهل رومانی، عربستان، جبرئیل، الهام و ...» زمان و مکان را بسط می‌دهد و متن خلاق خود را، فرامکانی و فرازمانی جلوه می‌دهد. کاربرد مصادیق زیر، بر این ویژگی، دلالت دارد.

- چشمه آبی سرد که در تموز سوزان کویر، گویی از دل یخچالی بزرگ بیرون می‌آید، از دامنه کوه‌های شمالی ایران به سینه کویر سرازیر می‌شود و از دل ارگ مزینان سر برمی‌دارد. از اینجا درختان کهنی که

سالیانی دراز سر بر شانه هم داده‌اند، آب را تا باغستان و مزرعه مشایعت می‌کنند. درست گویی عشق آباد کوچکی است و چنان که می‌گویند، هم بر انگاره عشق آبادش ساخته‌اند. (محمّدیان و دیگران، ۱۳۹۸: ۷۰) در این عبارت به نظر نویسنده، مزینان از حوزه روستایی، خارج می‌شود و در ابعاد و گستره (عشق‌آباد) پنداشته می‌شود.

- در کویر، گویی به مرز عالم دیگر نزدیکیم و از آن است که ماوراء الطبیعه را - که همواره فلسفه از آن سخن می‌گوید و مذهب بدان می‌خواند - در کویر به چشم می‌توان دید، می‌توان احساس کرد. (همان: ۷۸) در اینجا، مکان از کویر معمولی، فراتر می‌رود و به عالم دیگر و ماوراء الطبیعه متصل می‌شود. - ناله‌های گریه آلود آن امام راستین و بزرگم را که همچون این شیعه گمنام و غریبش، در کنار آن مدینه پلید و در قلب آن کویر بی‌فریاد، سر در حلقوم چاه می‌برد و می‌گریست. چه فاجعه‌ای است در آن لحظه که یک مرد می‌گرید!... چه فاجعه‌ای!... (همان: ۷۳) در اینجا، زمان و مکان از مدینه و زمان علی^(ع) فراتر می‌رود.

- آسمان، تفرجگاه مردم کویر است و تنها گردشگاه آزاد و آباد کویر (همان: ۷۳) در این عبارت آسمان، از نظر نویسنده، آسمان نیست بلکه فراتر از مکان عادی و معمولی است. آسمان تفرّجگاه و گردشگاه آزاد، برای مردمان کویر، پنداشته شده است.

- من آن شب، پس از گشت و گذار در گردشگاه آسمان، تماشاخانه زیبا و شگفت مردم کویر، فرود آمدم و بر روی بام خانه، خسته از نشئه خوب و پاک آن «اسرا» در بستر خویش به خواب رفتم. (همان: ۷۳) نویسنده از آن شبی که بر روی بام خانه رفته است؛ پا فراتر می‌گذارد و خود را در فرامکان و فرازمان می‌پندارد.

نویسنده، در عبارتی مبحث اخیر را به مخاطب «هیچ کس» تذکر می‌دهد که: «کلمات را کنارزنید و در زیر آن، روحی را که در این تلقی و تعبیر پنهان است، تماشا کنید.» (همان: ۷۳)

الف ۶. عامیانه‌نویسی

گاهی سبک عباراتی از کویر، با سبک بقیه عبارات متفاوت است و بیشتر به سبک عامیانه نزدیک است. این تفاوت سبک، می‌تواند علاوه بر معنی دار بودن، نشانی از مردمی بودن نویسنده، دانست. شریعتی با این شگرد زبانی و اجتماعی، قصد دارد، مخاطبان خود را به متن و مقاصد خود، نزدیک‌تر کند. او خود را از مردم و برای مردم می‌داند. این رسالت مهم یک نویسنده است. واژه‌ها و عبارات در کویر (رنگ مردمی) به خود می‌گیرند. برای نمونه، به مصادیق زیر اشاره می‌شود:

- بر همان مَهر و نشان است که بود.

عبارت فوق ضرب‌المثل عامیانه است که از بیت حافظ برگرفته است.

- سر می‌سپرد.
- کنایه از تسلیم شدن و پذیرفتن.
- همه چشم‌ها به او بود.
- کنایه از اینکه همه، چشم انتظار او بودند.
- جوانی را به پایش ریخته بود.
- کنایه از اینکه، از عمر خویش، برای تحصیل علم، استفاده کرده‌بود.
- از زندگی و مردمش کناره گرفت.
- عبارت از مردم کناره گرفتن، کنایه از منزوی و جدایی از مردم است.
- پامان به ده باز بود.
- در زبان عامّه یعنی اینکه به ده رفت و آمد داشتیم.
- دست و پاگیر نشده بودیم.
- مفهوم کنایی گرفتار شدن و ایجاد دردسر کردن برای کسی، دارد.
- در نخستین دم بهار
- در زبان عامّه، نخستین دم بهار به معنی ابتدای بهار است.
- چشم به راهش بودیم.
- کنایه از اینکه همه، چشم انتظار او بودند.
- هیاهوی گلّه خوابید.
- در زبان عامیانه کنایه از ساکت و آرام شدن است.
- گرم تماشا بودن
- کنایه از مشغول تماشا بودن است.
- پروین سر زد.
- به معنی طلوع کردن است.
- یک راست
- نقش دستوری قید را دارد و به معنی مستقیماً است.
- دهاتی‌های کاهکش
- الفاظی عامیانه هستند.
- سر به آسمان برنکردم.
- این عبارت مفهوم کنایی آسمان را ندیدم؛ دارد.
- چغندرکاری

این لفظ بیشتر در بین کشاورزان، کاربرد دارد.

الف ۷. واژه و عبارت‌پردازی

ساخت و کاربرد واژه‌ها و عبارات نو، در نقد صورت‌نگرایانه مهم است و در متن ادبی، سبب رستاخیز و تحرک متن

می‌شوند و مخاطب نیز، به شگفتی وامی‌دارند. این مهم، در متن ادبی کویر، دیده می‌شود. معنای کانونی واژه‌ها و عبارات نوپرداز، تفسیرپذیرتر از واژه‌های دیگر هستند و علاوه بر آن، دارای معنایی پویاترند و آنها می‌توانند عمق معنایی بیشتری را به متن بدهند. «کلمه» ارزش ذاتی و جمال‌شناسی دارد و صرفاً وظیفه انتقال معنی به مخاطب را ندارد. (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱: ۱۳۳) با خواندن متون ادبی، مسحور جادوگری موسیقایی آن می‌شویم و درمی‌یابیم که اصل اول، همان موسیقی در کلام است. این طبیعی زبان است که وزن با کاربرد واژه‌ها حاصل می‌شود؛ زیرا واژه‌ها هستند که می‌توانند در متن، رستاخیز به پا کنند. از مهم‌ترین «واژه‌ها و عبارات نو» در کویر، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

- باغستان

- انگاره: انگاره به معنی اندازه، مقیاس، طرح یا نقشی که کشیدن آن ناتمام مانده باشد.

- گیرودار- شورانگیز- بی‌صبرانه- دم بهار- دامن گستر- اسرارآمیز- بی‌فriad- تفرجگاه- آسفالت نشین- کاهکش- چغندرکاری- و ...

الف ۸. تصویرپردازی

«آشنایی‌زدایی یا غریب‌سازی» یکی از مبانی اصلی فرمالیسم است و آن ایجاد تغییر شکل، در واقعیت‌های زبانی و ادبی است. «آشنایی‌زدایی، غبارروبی از دید و نگرش است» (شمیسا، ۱۳۹۳: ۱۸۷) که با استفاده از ابزارهایی چون صورخیال (تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز) انجام می‌شود. علاوه بر آن، کاربرد صناعات ادبی از ابزارهای دیگر ایجاد آشنایی‌زدایی بشمار می‌آید. (طاووسی، ۱۳۹۵: ۱۰۹)

شریعتی از آن دسته نویسندگانی است که در ساخت تصاویر ادبی، با بهره‌گیری از ابزارهای صور خیال، یا به تعبیری، آشنایی‌زدایی، مهارت ذهنی خلاق را دارد. اغلب تصاویر ادبی او به تازگی و پویایی تصویرها دلالت دارد و آن تصاویر، همان عاطفه و روح زنده او هستند. تصاویر ادبی شریعتی بالنده و شعله‌ور و براساس جریان سیال ذهن او هستند. تصاویر شعری او احساسات و عواطف مخاطب را برانگیخته می‌سازد. زبان استعاری، قابلیت بسیاری برای بیان حالات درون نویسنده دارد. این قابلیت در استعاره مکتبه یا بالکنایه، بیش از شگردهای دیگر وجود و حضور دارد. نویسندگان از

دو شگرد استعاری برای تصویرسازی و یگانه‌شدن با شی مورد نظر بکار می‌برند. از جمله: شخصیت‌بخشی (انسان‌نگاری) و دیگری اندام‌بخشی (جان‌دارانگاری).

در حالت انسان‌نگاری، گوینده، صفات انسان را به شی مورد نظر می‌دهد و به آن روح و جوهر انسانی،

می‌بخشد. (فتوحی، ۱۳۹۵:۷۳) در جان‌دارانگاری، نویسنده اندام و اعضای انسان یا حیوان زنده را در شی یا در موضوع می‌بیند و شی بی‌جان را، در کالبد موجود زنده، قرار می‌دهد.

کاربرد استعاره‌های بالکنایه در کویر، درون‌مایه مسلط و قطعی است که در سراسر آفرینش‌های ادبی نویسنده، سایه انداخته است و چنین کاربردی، دستگاه منظم فکری شریعتی را تشکیل داده است. استعاره بالکنایه در کلام ادبی نویسنده، نقش رهبری برای دیگر تصاویر ادبی او به عهده دارد. شریعتی با بهره‌گیری و ساخت استعاره‌های بالکنایه بر اقتدار معنی کلام خود افزوده است.

استعاره‌های شریعتی، از جنبه‌های احساسی و عاطفی بالایی برخوردار هستند و همین عامل سبب همراهی و هم‌گامی مخاطبان با کلام ادبی او شده است. استعاره‌ها، برای تزئین صوری و ساختاری زبان، بسیار کارآمد است هر چند که تصاویر استعاری، کلام را از ساخت و فرم عادی و معمولی خارج می‌کند. نکته دیگر اینکه تصاویر استعاری چنان در فکر و ذهن نویسنده، ریشه دوانیده اند که لحظه‌ای او را رها نمی‌کنند و پیوسته حامل بُن‌مایه‌های ذهنی و روانی او هستند. (azshariati.blogspot.com، ۱۶۰۰) در این بخش از پژوهش، به مصادیقی از کاربرد استعاره در متن کویر اشاره می‌شود.

- چشمه آبی سرد که در تموز سوزان کویر، گویی از دل یخچالی بزرگ بیرون می‌آید. (ترکیب دل یخچال، استعاره بالکنایه است.)

- از دامنه کوه‌های شمالی ایران به سینه کویر سرازیر می‌شود و از دل ارگ زمینان سر بر می‌دارد. (ترکیب‌های سینه کویر و دل ارگ، استعاره بالکنایه به شمار می‌آیند.)

- از اینجا درختان کهنی که سالیانی دراز سر بر شانه هم داده‌اند، آب را تا باغستان و مزرعه مشایعت می‌کنند. (عبارت سر بر شانه هم داده‌اند و آب را تا باغستان و مزرعه مشایعت می‌کنند، استعاره بالکنایه هستند.)

- تاریخ بیهق از شاعران و دانشمندان و مردان فقه و حکمت و شعر و ادب و عرفان و تقوایش یاد می‌کند. در آن روزگاری که باب علم بر روی فقیر و غنی، روستایی و شهری باز بود و ... (تاریخ بیهق از ... یاد می‌کند و ترکیب باب علم، استعاره بالکنایه محسوب می‌شوند. البته در ترکیب باب علم، نویسنده در در ذهن سیال خویش، علم را با عمارتی یکسان دانسته که آن عمارت بخشی به نام «در» دارد.)

- استادان بزرگ حکمت و فقه و ادب، نه در «ادارات» که در غرفه‌های مساجد یا مدارس می‌نشستند. (ترکیب غرفه‌های مساجد، استعاره بالکنایه است که نویسنده با کاربرد آن تصویرسازی کرده است.)

- در کویر، گویی به مرز عالم دیگر نزدیکیم و از آن است که ماوراء الطبیعه را - که همواره فلسفه از آن سخن می‌گوید و مذهب بدان می‌خواند - در کویر به چشم می‌توان دید. (عبارات فلسفه از آن سخن می‌گوید و مذهب بدان می‌خواند، فرم استعاره بالکنایه دارند.)

- حتی درختش، غارش، کوهش، هر صخره سنگش و سنگریزه‌اش آیات وحی را بر لب دارد. (کل عبارت تصویر زیبایی از استعاره بالکنایه است.)

- عطر الهام را در فضای اسرارآمیز آن استشمام کرده است. (ترکیب عطر الهام استعاره بالکنایه است زیرا در ذهنیت نویسنده الهام همچون گلی فرض شده که عطر و بو دارد. علاوه بر آن، ترکیب «عطر الهام» از زیور ادبی حس‌آمیزی برخوردار است.)

- در کنار آن مدینه پلید و در قلب آن کویر بی‌فریاد، سر در حلقوم چاه می‌برد و می‌گریست. (ترکیبات قلب آن کویر و حلقوم چاه، تصاویری از استعاره بالکنایه هستند.)

- به نظاره آسمان رفته بودم؛ گرم تماشا و غرق در این دریای سبز معلقی که بر آن مرغان الماس پر، ستارگان زیبا و خاموش، تک‌تک از غیب سر می‌زنتند. آن شب نیز ماه با تالو پیرشکوهش از راه رسید و گل‌های الماس شکفتند و قندیل زیبای پروین سر زد و آن جاده روشن و خیال‌انگیزی که گویی یک راست به ابدیت می‌پیوندد.

(استعاره‌های در این عبارت ادبی عبارتند از: دریای سبز معلقی، استعاره مصرحه از آسمان است. ترکیب ماه... از راه رسید، تصویر زیبایی از استعاره بالکنایه است. همچنین ترکیب گل‌های الماس، استعاره مصرحه از ستارگان زیباست. نویسنده در ذهن سیال و پرتحرک خود، ستارگان آسمان را چون گل‌هایی از جنس الماس پنداشته است. علاوه بر آن، عبارت هنری جاده روشن و خیال‌انگیز، استعاره مصرحه از کهکشان است.)

- آن باغ پر از گل‌های رنگین و معطر شعر و خیال و الهام و احساس در سموم سرد این عقل بی‌درد و بی‌دل پزیرمرد و صفای اهورایی آن همه زیبایی‌ها که درونم را پر از خدا می‌کرد، به این علم عددبین مصلحت‌اندیش آلود و من آن شب، پس از گشت‌وگذار در گردشگاه آسمان، تماشاخانه زیبا و شگفت مردم کویر، فرود آمدم و بر روی بام خانه، خسته از نشئه خوب و پاک آن «اسرا» در بستر خویش به خواب رفتم.

(در این عبارت، باغ استعاره مصرحه از آسمان زیبای کویر است. ترکیب «سموم سرد» از پارادوکس برخوردار است که نویسنده با جمع نمودن دو ویژگی گرم و سرد در یک ترکیب، برای تصویرپردازی

استفاده کرده‌است. کاربرد پارادوکس یکی از ابزارهای ادبی ساخت تصویر به شمار می‌آید. ترکیب عقل بی‌درد و بی‌دل پژمرد، استعارهٔ بالکنایه محسوب می‌شود زیرا که نویسنده، صفات بی‌درد و بی‌دل را به عقل نسبت داده و در ذهن سیال نویسندهٔ توانا، عقل همچون گلی پنداشته شده که پژمرده‌است. همچنین عبارت علم عددیین مصلحت‌اندیش از زیور ادبی استعارهٔ بالکنایه برخوردار است.)

یکی دیگر از راه‌های تصویرپردازی و آشنایی‌زُدایی، تشبیه است. شریعتی در کویر از این شگرد هنری استفاده

کرده‌است. مخاطب در برابر تشبیه و یکسان فرض شدن دو چیز متفاوت از سوی نویسنده، به اعجاب واداشته می‌شود. در این مجال به کاربردچند نمونه از تشبیه در متن درس کویر از دکترعلی شریعتی، اشاره می‌شود.

- [مزینان] گویی عشق آباد کوچکی است. نویسنده زادگاه خودش، مزینان را با عشق‌آباد یکسان دانسته‌است و این تصوّر یکسانی بین دو پدیدهٔ متفاوت، سبب ساخت تصویر همراه با اعجاب مخاطب شده‌است.

- شاگرد بود که همچون جویندهٔ تشنه‌ای می‌گشت و می‌سنجید و بالآخره می‌یافت و سر می‌سپرد. (نویسنده شاگرد را همچون جویندهٔ تشنه‌ای فرض کرده‌است. علاوه بر آن عبارت سرسپردن، تصویری کنایی به شمار می‌آید.)

- چراغ علم و فلسفه و کلام را او که جانشین شایستهٔ وی بود، روشن نگاه دارد... (ترکیبات چراغ علم و فلسفه و کلام، از نوع تشبیه بلیغ اضافی هستند که در حوزهٔ بیان زیباترین و هنرمندانه‌ترین نوع تشبیه محسوب می‌شود زیرا نویسنده از ارکان تشبیه صرفاً طرفین تشبیه در آورده‌است.)

- تابستان وصال، درست به هنگام، همچون همه ساله، امیدبخش و گرم و مهربان و نوازشگر می‌آمد. ترکیب ادبی تابستان وصال تشبیه از نوع بلیغ اضافی است. نویسنده وصال را از نظر گوارایی و خوشایندی همچون تابستان

دانسته‌است. این یکسانی موجبات شگفتی مخاطب خواهدشد.)

- آسمان کویر، این نخلستان خاموش و پرمهتابی که هر گاه مشمت خونین و بی‌تاب قلبم را در زیر باران‌های غیبی سکوتش می‌گیرم ناله‌های گریه‌آلود آن روح دردمند و تنها را می‌شنوم. (در این عبارت، ترکیبات آسمان کویر، این نخلستان خاموش و مشمت خونین و بی‌تاب قلبم و باران سکوت، تشبیه به شمار می‌آیند.)

- ناله‌های گریه‌آلود آن امام راستین و بزرگم را که همچون این شیعهٔ گمنام و غریبش، در کنار آن مدینهٔ پلید و در قلب آن کویر بی‌فریاد، سر در حلقوم چاه می‌برد و می‌گریست. (عبارت «ناله‌های گریه‌آلود آن امام راستین و بزرگم را که همچون این شیعهٔ گمنام و غریبش» تصویری از نوع تشبیه است.)

- آسمان، تفرجگاه مردم کویر است ... (نویسنده در این عبارت آسمان را با تفرجگاه یکسان پنداشته است و بدین شکل از ابزار تشبیه برای تصویرپردازی بهره برده است.)
در نگاه صورت‌گرایان، اثر ادبی عبارت است از یک نشانه و این نشانه، با نظام نشانه‌ای، متن را شکل می‌دهد و متن به عنوان یک کل است که تمام عوامل آن در برابر یکدیگر انجام وظیفه‌ای متقابل می‌کنند و هنر چیزی جز فرم و شکل نیست (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱: ۷۴) صورت‌گرایان بر این باورند که کنایات، یکی از ابزارهایی است که صورت متن را به وجود می‌آورد و سبب ایجاد «آشنایی زدایی یا غریب‌سازی» می‌شود زیرا در کنایات معنی غیر واقعی الفاظ منظور است. بدین سبب کاربرد کنایه مخاطب را به اعجاب وامی‌دارد.

از نظر بلاغی کنایه‌ها از فرمی موجز برخوردارند و گاهی کنایه‌ها به ضرب‌المثل تبدیل می‌شوند. کاربرد کنایه از یکی از شگردهای بهره‌گیری از آشنایی‌زدایی در حوزه مکتب ادبی فرمالیسم، است به طوریکه دکترعلی شریعتی در به کاربردن این ترفند ادبی، مهارت داشته است. نمونه‌هایی از کنایه، از متن درس کویر از فارسی ۳ عبارتند از:

- از دامنه کوه‌های شمالی ایران به سینه کویر سرازیر می‌شود. (سرازیرشدن کنایه از جاری و روان شدن است.)

- از دل ارگ مزینان سر برمی‌دارد. (کنایه از جوشیدن)

- از اینجا درختان کهنی ... سر بر شانه هم داده‌اند. (کنایه از اینکه درختان، بسیار رشد داشته‌اند و بسیار به هم نزدیک بودند.)

- مزینان از هزارو صد سال پیش هنوز بر همان مهر و نشان است که بود. کنایه از اینکه تا به حال تغییری

نکرده است.)

- در آن روزگاری که باب علم بر روی فقیر و غنی، روستایی و شهری باز بود. (باب علم باز بودن کنایه از رونق داشتن علم و دانش است.)

- شاگرد بود که ... سر می‌سپرد. (ترکیب سرسپردن، کنایه از پذیرفتن است.)

- بعد از حکیم اسرار، همه چشم‌ها به او بود. (کنایه از انتظار داشتن است.)

- حوزه حکمت را او گرم و چراغ علم و فلسفه و کلام را او که جانشین شایسته وی بود، روشن نگاه دارد. (چیزی را گرم نگاه داشتن، کنایه رونق چیزی را حفظ کردن است و چراغ چیزی را روشن نگاه داشتن نیز مفهوم کنایی یاد چیزی یا کسی را زنده نگاه داشتن است.)

- اما در آستانه میوه دادن درختی که جوانی را به پایش ریخته بود و ... (جوانی به پای چیزی ریختن، کنایه از عمر خود را صرف چیزی کردن است.)

- شهر را و گیرودار شهر را رها کرد. (کنایه از اینکه گرفتاری و دربند بودن در حوزه شهر را رها کرد و از شهر دل کند.)
- چشم‌ها را منتظر گذاشت. (کنایه از اینکه همه را به انتظار کشیدن واداشت.)
- از زندگی و مردمش کناره گرفت. (کنایه از منزوی شدن است.)
- باز راه اجداد خویش را به سوی کویر پیش گرفت و به مزینان بازگشت. (راه کسی در پیش گرفتن مفهوم کنایه همان شیوه را ادامه داد، دارد.)
- برخلاف حال، پامان به ده باز بود و در شهر، دست و پاگیر نشده بودیم. (پای کسی به جایی باز بودن کنایه از رفت و آمد به جایی داشتن است و دست و پاگیر نشدن، کنایه از ایجاد درس‌نکردن و گرفتار نشدن است.)
- هر سال ... بی‌صبرانه چشم به راهش بودیم. (کنایه از اینکه در انتظار آن به سر می‌بردیم.)
- دهقانان با چهارپایانشان از صحرا بازمی‌گشتند و هیاهوی گله‌ها را می‌شنیدند. (هیاهوی گله‌ها را شنیدن، کنایه از آن است که سکوت همه جا فراگرفت.)
- گرم تماشا و غرق در این دریای سبز معلقه که بر آن مرغان الماس پر، ستارگان زیبا و خاموش، تک تک از غیب سر می‌زنند. (گرم یا سرگرم چیزی بودن، کنایه از مشغول چیزی بودن یا به فکر چیزی بودن است و غرق در چیزی بودن نیز کنایه از مسحور شدن، است.)
- قندیل زیبای پروین سرزد. (سرزدن پروین کنایه از طلوع کردن است.)
- تا امسال که رفتم، دیگر سر به آسمان بر نکرده‌ام. (کنایه از این است که به آسمان نگاه نکردم.)
- همه چشم در زمین که اینجا ... می‌توان چند حلقه چاه عمیق زد. (چشم به جایی دوختن، کنایه از خیره به جایی نگاه کردن است.)
- آن عالم پُرشگفتی و راز، سرایی سرد ... شد. (سرایی سرد شدن، کنایه از آن است که آسمان کویر از رونق افتاد.) مجاز در مکتب ادبی فرمالیسم از ابزارهایی به شمار می‌آید که گوینده با استفاده از آن برای مخاطب آشنایی‌زدایی یا غریب‌سازی می‌کند و مخاطب را، به شگفتی، وامی‌دارد.
- «مجاز» یکی از شگردهای ادبی است که در علم بیان مطرح می‌شود. شاعران، از آنجایی که جهان را دگرگونه
- می‌بینند، واژه‌ها را نیز، دگرگونه به کار می‌برند؛ بدین معنی که هر چند از واژه‌ها معمول و مرسوم ما استفاده می‌کنند، اما آنها را در معانی اصلی، متعارف و قراردادی خود به کار نمی‌برند. نویسندگان و شاعران، با این شگرد، جهان را دوباره به سلیقه خود نام‌گذاری می‌کنند. «مجاز» همان کاربرد واژه، در معنای غیر از معنای قاموسی و اصلی‌اش، است. نمونه‌هایی از کاربرد مجاز در متن کویر دکتر شریعتی، عبارتند از:

- تاریخ بیهق از ... تقوای مزینان یاد می‌کند. (مزینان مجاز از مردم این روستاست).
- در آن روزگاری که باب علم بر روی فقیر و غنی، روستایی و شهری باز بود. (فقیر و غنی، روستایی و شهری مجاز هستند و معنی غیر واقعی آنها، با توجه به اینکه جز را بیان کرده‌است، (با علاقه جزئیّه) همه مردم می‌باشد).
- چشم‌ها را منتظر گذاشت و به دهی آمد که هرگز در انتظار آمدن چون او کسی نبود. (چشم‌ها مجاز از مردم است).
- ماوراء الطبیعه را - که همواره فلسفه از آن سخن می‌گوید و مذهب بدان می‌خواند - در کویر به چشم می‌توان دید، می‌توان احساس کرد. (فلسفه مجاز از فلسفه‌دانان و علمای فلسفه، مذهب نیز مجاز است و به معنی علمای مذهبی است).
- دیدارها همه بر خاک و سخن‌ها همه از خاک! که ... (دیدارها، مجاز از نگاه‌ها و خاک مجاز از زمین است).
حاصل کلام اینکه، صور خیال از قبیل تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز از قوی‌ترین ابزارهایی به شمار می‌آیند که نویسنده و شاعر، می‌توانند، آنها را برای ساخت تصاویر ادبی پویا و پرتحرک و آشنایی‌زُدایی یا غریب‌سازی، برای برانگیخته شدن اعجاب مخاطب استفاده کنند. شریعتی در متن کویر، از این ابزارهای فنی و بیانی، بهره برده‌است.

الف ۹. درون‌مایه‌های کویر

کویر در قالب نثر معاصر با درون‌مایه‌هایی از قبیل توصیف، آموزش همگانی و پرهیز از تبعیض، طلب علم، کشش دانش، گرایش به پاکی و تهایی، خودشناسی، لذت به بازگشت و اصل خود، وطن دوستی، مباحثات به پیشینه خود، توصیف عناصر طبیعت از جمله کویر و پدیده‌های آن، معنویت کویر، خیال‌انگیز بودن کویر، پرداختن به دوران گذشته زندگی، روی آوردن به معنویات و توجه به ضرورت تهذیب نفس، رهایی از زرق و برق زندگی شهری و رهایی از زندان شهر، توجه به مذهب، عرفان، فلسفه و تاریخ، دوری از نگاه تجملی به زندگی، توجه و به فلسفه والای زندگی، توجه به حقیقت هر چیزی و پرهیز از ظاهرینی، سرزنش دید مادی و ... از جمله درون‌مایه‌های اساسی این نثر ادبی و سیال، به شمار می‌آید. چند نمونه از درون‌مایه‌های کویر، عبارتند:

توصیف:

- چشمه آبی سرد که در تموز سوزان کویر، گویی از دل یخچالی بزرگ بیرون می‌آید. از دامنه کوه‌های شمالی ایران به سینه کویر سرازیر می‌شود و از دل ارگ مزینان سر بر می‌دارد. از اینجا ... (محمدیان و دیگران، ۱۳۹۸: ۷۰)

- آسمان کویر، این نخلستان خاموش و پرمهتابی که هر گاه مشمت خونین و بی‌تاب قلبم را ... (همان: ۷۳)
- آموزش همگانی و پرهیز از تبعیض، طلب علم، جاذبه و کشش دانش:
- در آن روزگاری که باب علم بر روی فقیر و غنی، روستایی و شهری باز بود و استادان ... (همان: ۷۰)
- همه چشم‌ها به او بود که حوزه حکمت را او گرم و چراغ علم و فلسفه و کلام را او که جانشین شایسته وی بود، روشن نگاه دارد... (همان)
- گریش به پاکی و تهایی، خودشناسی، لذت به بازگشت و اصل خود:
- جد من، او نیز بر شیوه پدر رفت. به همین روستای فراموش باز آمد و از زندگی و مردمش کناره گرفت و به پاکی و علم و تهایی و بی‌نیازی و اندیشیدن با خویش وفادار ماند که ... (همان: ۷۱)
- پس از پایان تحصیل فقه و فلسفه و به ویژه ادبیات، باز راه اجداد خویش را به سوی کویر پیش گرفت و به مزیان بازگشت. (همان)
- وطن دوستی و حبّ به سرزمین نیاکان خویش، فخر و مباهات به پیشینه خود:
- از دامنه کوه‌های شمالی ایران به سینه کویر سرازیر می‌شود و از دل ارگ مزیان سر برمی‌دارد. (همان: ۷۰)
- مزیان از هزار و صد سال پیش هنوز بر همان مهر و نشان است که بود. (همان)
- وی جد پدر من بود. من هشتاد سال پیش، نیم قرن پیش از آمدنم به این جهان، خود را در او احساس می‌کنم؛ در نگاه او نشانی از من بوده است. (همان: ۷۱)
- معنویت کویر، خیال انگیز بودن کویر:
- در کویر، گویی به مرز عالم دیگر نزدیکیم و از آن است که ماوراء الطبیعه را - که همواره فلسفه از آن سخن می‌گوید و مذهب بدان می‌خواند - در کویر به چشم می‌توان دید... (همان)
- آواز پر جبریل همواره در زیر غرفه بلند آسمانش به گوش می‌رسد و حتی درختش، غارش، کوهش، هر صخره سنگش و سنگریزه اش آیات وحی را بر لب دارد و ... (همان)
- آسمان کویر، این نخلستان خاموش و پرمهتابی که هر گاه مشمت خونین و بی‌تاب قلبم را ... (همان)
- پرداختن به دوران گذشته زندگی:
- نیمه شب آرام تابستان بود و من هنوز کودکی هفت هشت ساله ... (همان: ۷۳)
- چنین بود که هر سال که یک کلاس بالاتر می‌رفتم و به کویر برمی‌گشتم ... (همان)
- رهایی از زرق و برق زندگی شهری و رهایی از زندان شهر:

- هر سال انتظار پایان می‌گرفت و تابستان وصال، درست به هنگام، همچون همه ساله، امیدبخش و گرم و مهربان و نوازشگر می‌آمد و ما را از غربت زندان شهر به میهن آزاد و دامن گسترمان، کویر می‌برد؛ نه بازمی‌گرداند. (همان: ۷۸)

- سال‌های کودکی، هنوز پیوند ما با زادگاه روستایی مان برقرار بود ... (همان)

توجه به مذهب، عرفان، فلسفه و تاریخ:

- او بود که حوزه حکمت را او گرم و چراغ علم و فلسفه و کلام را او که جانشین شایسته وی بود، روشن نگاه دارد. (همان: ۷۰)

- تاریخ بی‌هق از شاعران و دانشمندان و مردان فقه و حکمت و شعر و ادب و عرفان و تقوایش یاد می‌کند. (همان)

- در کویر، گویی به مرز عالم دیگر نزدیکیم و از آن است که ماوراء الطبیعه را - که همواره فلسفه از آن سخن می‌گوید و مذهب بدان می‌خواند. در کویر به چشم می‌توان دید. (همان: ۷۸)

- هر صخره سنگس و سنگریزه اش آیات وحی را بر لب دارد و زبان گویای خدا می‌شود. (همان)

توجه به حقیقت هر چیز و پرهیز از ظاهرینی و نگاه‌های جزئی و علمی به زندگی:

- و دیدارها همه بر خاک و سخن‌ها همه از خاک! که آن عالم پُرشگفتی و راز، سرایی سرد و بی‌روح شد، ساخته چند عنصر! ... به این علم عددیین مصلحت اندیش آلود و من آن شب، پس از گشت و گذار در گردشگاه آسمان، تماشاخانه زیبا و شگفت مردم کویر، فرود آمدم و بر روی بام خانه، خسته از نشئه خوب و پاک آن «اسرا» در بستر خویش به خواب رفتم. (همان: ۷۳)

نتیجه‌گیری

استفاده از عناصر هنری در نثر فارسی، از دیرباز در ادبیات فارسی معمول بوده است. به کارگیری این عناصر سبب شده است که این آثار، به مثابه شعر، بتوانند در زمره آثار غنایی قرار بگیرند. از این منظر، نویسنده، با توجه به جریان سیال ذهن خویش، تلاش دارد تا از تصاویر شعری استفاده کند.

کویر از آثار برجسته نویسنده و تاریخ‌دان معاصر، علی شریعتی، است. محدوده کاربرد زبان شاعرانه، در این اثر، بسیار وسیع است، به طوریکه این متن در جریان ذهن سیال و پویای نویسنده فرم یافته و جلوه‌ای شعرگونه به آن بخشیده است.

از نظر ویژگی‌های محتوایی، سبب شده تا کویر، در دسته آثار غنایی گنجانده شود. احساسی و عاطفی بودن، بیان مضامین عارفانه از جمله، وحدت وجود، چشم‌پوشی از تعلقات، وصف و توصیف عناصری از طبیعت، درون‌گرا بودن، عشق به وطن اصلی خویش، دل‌نستن تعلقات، از مهم‌ترین خصوصیات محتوایی متن کویر است.

مهم‌ترین تاروپود درونی این اثر ادبی، از هم تنیدگی ویژگی‌هایی از قبیل تاریخی‌نگاری، تلمیح‌گویی، فرامکان و زمان، عامیانه‌نویسی، واژه و عبارت‌پردازی، کاربرد ترکیبات و تصویرپردازی در ابعاد متعدّد است.

منابع

الف) کتاب‌ها

- قرآن مجید،
- احمدی، بابک، (۱۳۷۰)، ساختار و تأویل متن، تهران: نشر مرکز.
- باقری، مه‌ری، (۱۳۷۵)، مقدمات زبان‌شناسی، تهران: نشر قطره.
- برقعی، سیدیحیی، (۱۳۷۶)، کاوشی در امثال و حکم فارسی، قم: نشر کتاب قم.
- تجلیل، جلیل، (۱۳۶۹)، معانی و بیان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ثروت، منصور، (۱۳۸۵)، آشنایی با مکتب‌های ادبی، تهران: انتشارات سخن.
- _____، (۱۳۶۴)، فرهنگ کنایات، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- حسن‌دوست، محمد، (۱۳۹۵)، فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی، جلد چهارم، تهران: انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- خطیب رهبر، خلیل، (۱۳۶۹)، دیوان عزلیات حافظ، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- رجایی، محمدخلیل، (۱۳۷۹)، معالم البلاغه در علم معانی و بیان و بدیع، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
- رحمان‌دوست، مصطفی، (۱۳۹۰)، فوت کوزه‌گری، تهران: انتشارات مدرسه، دو جلد.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، لغت‌نامه، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- _____، (۱۳۶۱)، امثال و حکم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- سجّادی، سیدجعفر، (۱۳۸۳)، فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، تهران: کتابخانه طهوری.
- سیدحسینی، رضا، (۱۳۹۵)، مکتب‌های ادبی دو جلد، تهران: انتشارات نگاه.
- شایگانفر، حمیدرضا، (۱۳۹۱)، نقد ادبی، تهران: انتشارات حروقیه.
- ۱۷ شریعتی، علی، (۱۳۸۹)، کویر، تهران: ایران جوان.
- _____، (۱۳۴۸)، کویر، تهران: [بی‌تابی تا].
- شفیع‌ی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۹۱)، رستاخیز کلمات، تهران: انتشارات سخن.
- _____، (۱۳۹۵)، صور خیال در شعر فارسی، تهران: انتشارات آگه.
- شمیسا، سیروس، (۱۳۸۳)، معانی و بیان، تهران: انتشارات فردوس.
- _____، (۱۳۹۳)، نقد ادبی، تهران: نشر میترا.
- _____، (۱۳۶۶)، فرهنگ تلمیحات، تهران: انتشارات فردوسی.
- صادقیان، محمدعلی، (۱۳۸۲)، طراز سخن در معانی و بیان، یزد: بنیاد فرهنگی پژوهشی ریحانه‌الرسول.
- _____، (۱۳۷۹)، زیور سخن در بدیع فارسی، یزد: دانشگاه یزد.
- صفا، ذبیح‌الله، (۱۳۶۹)، تاریخ ادبیات در ایران، تهران: انتشارات فردوسی تهران.
- طاووسی، سهراب، (۱۳۹۵)، آیین صورت‌نگری، تهران: انتشارات ققنوس.
- غیائی، محمدتقی، (۱۳۶۸)، سبک‌شناسی ساختاری، تهران: شعله اندیشه.
- فتوحی رود معجنی، محمود، (۱۳۹۵)، بلاغت تصویر، تهران: انتشارات سخن.
- محمدیان بهرام محی‌الدین و دیگران (۱۳۹۸)، فارسی ۳، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- محمدی، محمود، (۱۳۹۳)، فرهنگ اماکن و جغرافیای تاریخی بیهق، تهران: آژند.
- وحیدیان کامیار، تقی، (۱۳۹۳)، بدیع از دیدگاه زیباشناسی، تهران: انتشارات سمت.
- یاحقی، محمدجعفر، (۱۳۸۹)، فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- _____، (۱۳۷۵)، تاریخ ادبیات ایران، تهران: شرکت چاپ و نشر ایران.
- هادی، روح‌الله، (۱۳۷۶)، آرایه‌های ادبی (قالب‌های شعر، بیان و بدیع)، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.

ب) تارنماها

- parsidust.blogfa، تارنمای تخصصی، [دسترسی ۲۰ اسفند ۱۴۰۰].
(<http://www.parsidust.blogfa.com>)
- fasleyek.com/blog، تارنمای تخصصی، [دسترسی ۲۰ اسفند ۱۴۰۰].
(<https://fasleyek.com/blog>)
- imna.ir، تارنمای تخصصی، [دسترسی ۲۰ اسفند ۱۴۰۰].
(<https://www.imna.ir>)
- azshariati.blogsky، تارنمای تخصصی، [دسترسی ۲۰ اسفند ۱۴۰۰].

